رسالة في مناسك الحج ليوسف بن جنيد سلمه الله

صح

آيا صوفيه

١١٨١

هذه مناسك حج من تأليفات قطب

العارفين في زمانه تغمده الله

تعالى بغفرانه واسكنه في

فراديس جنانه

يوسف بن جنيد

عفى عنهما الحميد

المجيد

١١٨١

قد وقف هذه النسخة الكاملة سلطاننا الاعظم والخاقان المعظم

مالك البرين والبحرين خادم الحرمين الشريفين

السلطان ابن السلطان الغازي محمود خان

وقفا صحيحا لمن طالع [illegible]

[illegible] عظم الله تعالى اجره يوم [illegible]

حرره الفقير احمد شيخ زاده المفتش

باوقاف الحرمين الشريفين

غفر لهما

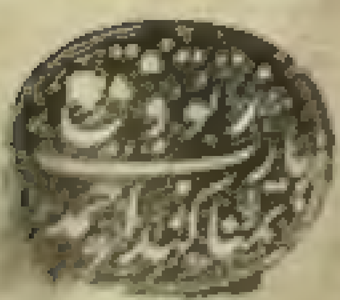

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل الکعبة البیت الحرام مثابة للناس • واحل طوایف الطایفین حولها علی الایتلاف بها والاستیناس • والصلوة علی من ولی وجهه شطر المسجد الحرام لیکون له قبلة یرضیها علی ممر الشهور والاعوام • وعلی آله الاطهار وصحبه الاخیار • وعلی من تبعهم وتبع تابعیهم الی یوم الدین رضوان الله علیهم اجمعین • اما بعد این ورقی چند است در بیان مناسک حج وعمره وآداب زیارت روضه حضرت رسالت صلعم که چون در شهور سنه سبع وسبعین وثمانمایه بقصد زیارت حرمین شریفین زادهما الله تشریفا وتکریما ومهابة وتعظیما بمدینه السلام بغداد لازالت محروسة عن تسلیط الاضداد رسید

وبواسطه انتظار موسم چندروزی توقف افتاد بجهه ضبط واختصار وحفظ واستحضار درقید کتابت آمد مشتمل بر مذاهب ایمه اربعه رضی الله تع عنهم تا طالب صادق بقدر وسع طاقت چنانکه طریقه سینه طایفه صوفیه است قدس الله اسرارهم میان آنها جمع تواند کرد واز محل خلاف بیرون تواند آمد والتکلان علی المهیمن المنان

فصل

حج رکن خامس از ارکان اسلام است ورسول کفت صلعم هرکه بمیرد وحج بروی واجب بود ونکرده نفرموده خواه جهود میرخواه ترسا وکفت صلعم هرکه حج کند چنانکه تن بفسق آلوده نکند وزبان بیهوده ، وناپاک است از همه کناهان بیرون آید همچنان آن روز که از مادر زاده است وکفت صلعم بسیار کناه است هیچ چیز آنرا کفارت نکند مکر ایستادن بعرفات وکفت صلعم شیطان را هیچ روز خوارتر وحقیرتر نبینند وزردروی تر از آنکه در روز عرفه از بس رحمت خدای عز وجل

برخلق مي باراند وازبس كناه عظيم كه عفو همي كند

وكفت صلعم هر كه ازخانه بيرون آيد بر انديشه حج

وددر راه بميرد تا روز قيامت هر سالي وي را مزد حجي

وعمره بنويسند وهر كه در مكه بميرد يا مدينه وي را از عرض

بود نه حساب وكفت صلعم بلاد حج مبرور بهتر از دنيا

وهر چه دروي است ووي را هيچ جزا نيست جز بهشت

وكفت صلعم هيچ كناه عظيم تر از ان نيست كه كسي بعرفه

بايستد وكمان برد كه آمرزيده نيست وكفت صلعم

كه حضرت حق عز وجل وعده داده است كه هر سالي ششصد

هزار بنده اين خانه را زيارت كنند بحج واكر كمتر ازين

باشد از ملايكه چندان بفرستد كه آن عدد تمام شود

وكعبه را حشر كنند چون عروسي كه جلوه خواهد كرد

وآنان كه حج كرده باشند كرد وي مي كردند دست

در پردهاي وي زده تا انكه كه در بهشت رود

وايشان با وي در بهشت شوند الحج فريضه محكمة

ثبت فريضتها بالكتاب والسنة والاجماع

اما الكتاب فقوله تع ولله على الناس حج البيت من

من استطاع اليه سبيلا ومن كفر فان الله غني

عن العالمين واما السنه فقوله صلعم في الحديث

الصحيح بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا

الله وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة وايتا

الزكوة وحج البيت وصوم رمضان واما الاجما

فهو منعقد على فرضيته من غير نكير وحج در جميع عمر

يكبار بيش فرض نيست مكر از جهت عارضي چون

نذر وقضا وشروع در آن بر سبيل تطوع ووقت

او در سال يكبار بيش نيست وآن شوال وذوا

القعده وعشر ذوا الحجه با طلوع فجر روز عيد

وبمذهب امام شافعي رحمه الله بيش از ين ماهها

احرام حج جايز نيست واكر كسي احرام بند دا زعمره

واقع شود وبمذهب امام ابو حنيفه رح جايز است

اما مكروه اما عمره بمذهب امام شافعي وامام احمد

بن حنبل رحمهما الله تع همچو حج فريضه است ليكن همه

وقت اوست وبمذهب امام ابو حنيفه كوفي وامام

مالك رحمهما الله تع سنت موكده است وحج رايك

سبب است وآن کعبه است لکن او را شرایط وارکان
ومحظورات وسنن وآداب است اما شرط صحت مطلقه
او اسلام است وبس فلا یصح من الکافر ولا من
المسلم للکافر وتکلیف وتمیز در وی شرط نیست
بس اکر ولی از قبل طفل غیر ممیز یا مجنون احرام بندد
جایز باشد خلافا لابی حنیفه رح وشرط صحت مباشرت
او اسلام وتمیز است بس مباشرت مجنون وطفل غیر
ممیز جایز نیست اما مباشرت طفل ممیز وبنده جایز
است وشرط وقوع آن از فرض بعد از اسلام وتمیز
بلوغ وحریت است لما روی ان النبی صلعم قال
ایما صبی حج ثم بلغ فعلیه حجة الاسلام وایما عبد
حج ثم عتق فعلیه حجة الاسلام وشرط وجوب
این جمیع این شرایط است با استطاعت واستطاعت
دو نوعست یکی استطاعت مباشرت ودوم
استطاعت نیابت اما استطاعت مباشرت بسبب
چیز متعلق است یکی بنفس وآن صحت بدنست و
بمذهب ابو حنیفه رح آن شرط در نابینا

مفقود است تا با وجود مال وقایدان بسیار بروی
حج فریضه نیست بخلاف دیگران رحمهم الله
دوم بملك ومال متعلق است وان قدرت
بر زاد وراحله است که بر نفقهٔ خود وهر که شرعا
بروی نفقهٔ او واجب است نفقه میان مناسب
حال او تا رفتن وآمدن زیادت از قضای وامها
ومسکن ولباس وخدمتکار واثاث لابد او باشد
وبر ملك یا کرای راحله سر نشین واکر تواند که او
بر شتر نشستن والا قدرت بر ملك یا کرای کژاوه و
حمل زاد ونفقه او تمام واثاث لابد او باشد
در سفر قادر باشد وسیم بغیر نفس ومال تعلق دارد
وآن ایمنی راه است از تلف نفس ومال وانکه قوت
نایافت نباشد وغلا نیز نباشد ودر راه دریای
خطرناك نباشد ودر راه باجها وضریبتهای بسیار
نباشد وبمذهب مالك رح قدرت بر راحله شرط
نیست اکر قوت پیاده رفتن دارد وبمذهب غیر
مالك موافق اوست اکر مسافت میان او و

استطاعت

وکعبه کمتر از مدّت قصر نماز باشد امّا نوع دوم از
از استطاعت انست که کسی را مرضی مزمن باشد که
به شدن ازان ممکن نباشد ومال دارد بروی واجب
باشد که کسی را باجرت کیرد تا از برای او حج کند
الا بمذهب محمّد بن حسن که واجب نباشد واین
اجیر بمذهب شافعی واحمد باید که حج کذارده باشد
تا نیابت واجرت او درست افتد خلافا لغیرهما
ما انکه کسی حج بروی واجب بوده باشد بمیرد حج
ناکرده وبمذهب شافعی رح واحمد بی وصیّت از
ترکه بستانند وبکسی دهند تا از برای وی حج کند
وبمذهب ابو حنیفه ومالک در ذمّت او بماند اکر
وصیّت نکرده باشد وبی رضای وارثان از ترکه وی
چیزی بستانند برای حج **فصل** ارکان حج بمذهب
شافعی ومالک واحمد رحمهم الله تعالی چهارست
وبقولی از شافعی پنج اوّل احرام دوم وقوف بعرفات
وسوم طواف زیارت وچهارم سعی میان صفا
ومروه وپنجم بقولی از شافعی رحمه الله ستردن

یا کوتاه کردن موی سر واقل آن بمذهب ابو حنیفه
رح ربع سرست قیاس بر مسح وسه تار موی بمذهب دیکران
رحمهم الله تع واما ارکان حج بمذهب ابو حنیفه رح
دو چیز بیش نیست یکی وقوف بعرفات ودوم طواف
زیارت واما احرام شرطی مانند است برکن همچو نیت
نماز وسعی میان صفا ومروه وموی ستردن یا کوتاه
کردن از قبیل واجبات چنانکه بیاید ان شاء الله تع
وعمره را بمذهب ابو حنیفه رح سه رکنست
ویک شرط امّا ارکانش طواف وسعی وحلق یا تقصیر
وشرطش احرام است واما بمذهب شافعی رح احرام
وطواف وسعی قولا واحدا ارکان عمره اند ودر
حلق دو قولست وبمذهب مالک حلق یا تقصیر
اصلا رکن عمره نیست وواجبات حج که ترک
آن بقربان منجبر می شود شش است یکی از میقات
احرام کردن ومیقاتهای حج طرف معیّن است
که باقی را بمحاذات ایشان اعتبار باید کرفته هر
کدام ازین میقاتها نزدیکتر باشد ودویم آنست

المنع عن تاخير الاحرام عنها لانه يجوز التقديم
عليها بالاتفاق واما اهل مدينه را ميقات ذوا
الحليفه وشاميان ومصريان را جحفه وعراقيان
ذات عرق ويمنيان را يلملم ونجدياترا قرن وهركه خانه
اندرون اين ميقاتها باشد ميقات او خانه اوست
وهركسي كه عزم در امدن مكه دارد خواه بعزم حج
خواه بعزم تجارت وغيران بمذهب ابوحنيفه رح
احرام كردن بروي ازين ميقاتها واجب است
وبي احرام نشايد بمكه درامدن وبمذهب ديكران
رحمهم الله اين مخصوص است بكسي كه نيت حج
وعمره دارد لاغير والاحب ان يحرم من اول
جزء الميقات وجاز من اخره واكركسي ازينها
على اختلاف المذاهب احرام تاكرفته بكذرد
بروي قربان كوسفندي لازم شود مكر كه پيش
از شروع در طواف بميقات باز كردد وان
انجا احرام كرفته بمكه آيد انكه قربان از وي
ساقط شود واجب دوم سنك انداختن است

در منى هفتاد سنك هفت سنك جمرة العقبه
را در روز نحر ودر ايام تشريق هر روزي بيست
ويك سنك در سه جاى الا انكه اكر در نفر اول
بمكه درآيند بيست ويك سنك انداختن روزي
اخرين ساقط كرده ودر ترك همه بمذهب شافعي
ابوحنيفه رح ويك قول شافعي رح يك قربان بسنده
باشد ويك قول ديكر از شافعي رح آن وي چهار
كوسفند قربان كردن واجب آيد وترك آن بفرو رفتن
آفتاب روز سيم از ايام تشريق محقق مي
كردد چه پيش از ان تدارك ممكن است كه بترتيب
قضا كند وبترك دمي در روزي قرباني لازم شود
بمذهب ابوحنيفه وقولي از شافعي رح يا بترك سه
وظيفه جمره بقول ديكر از شافعي رح يا بترك سه
حصاة بقول ديكر از وي وبترك هر حصاه
از جمره صدقه واجب مي شود واجب سيوم
جزوي از روز عرفه را با جزو از شب بجزو در
وقوف جمع كردن واجبست وبترك آن قربان

گوسفند لازم می شود و بمذهب مالک ضم کردن
بعضی از شب نحر با بعضی از روز عرفه فریضه
است و ترکش موجب بطلان حج و بقربان منجبر
نشود واجب چهارم شب بمزدلفه خفتن است
بر غیر راعیان و اهل سقایهٔ عباس هر که شب آنجا
مقام نکند گوسفندی بباید کشت و بمذهب ابو
حنیفه رح وقوف بمزدلفه بعد از آن نماز صبح
روز نحر بنزدیک مشعر حرام واجبست و ترک آن
موجب قربان واجب پنجم شبهای اقامت در
منی خفتن است بقولی از شافعی و احمد رحمهما الله
و بترکش قربان لازم و بیک قول از شافعی رح در
ترک خفتن در هر شبی از مزدلفه و منی قربانی
علی حده واجبست و بقولی درهمی و بیک قربان بسند
است و بمذهب امام ابو حنیفه رح ترک شب خفتن
درین هردو جای موجب قربان چیزی نیست ولی
ترک سنت است واجب ششم طواف وداع کردن است
بر غیر مکی و ترک آن بقربان گوسفندی منجبر می شود

بمذهب ابو حنیفه و شافعی رحمهما الله تع و اگر بیش از آن
که مقدار قصر نماز رفته باشد باز گردد و طواف کند
روا باشد و قربان ساقط شود و در چهار اخیر از
واجبات شش گانه شافعی را رح قولی هست که کشتن
گوسفندی واجب نباید اما اولی آن باشد که اگر دستش
دهد قربان کند و الا ده روز روزه دارد چنانکه
شرح آن بیاید ان شاء الله تع و بمذهب ابو حنیفه
رح سعی میان صفا و مروه نیز از قبیل واجبات است
و ترک آن بقربان گوسفندی منجبر می شود و اما بمذهب
دیگران رحمهم الله از فرایض و ارکانست و ترکش
بقربان منجبر نمی شود و همچنین بمذهب ابو حنیفه موی
ستردن یا کوتاه کردن از واجبات است و ترک آن
بقربان منجبر می شود و در تاخیرش از نحر و ایام تشریق
و تاخیر طواف زیارت از آن روزها و تاخیر سنگ
انداختن از آن روزها و تقدیم حلق بر رمی عقبه و نحر
قارن پیش از رمی و حلق پیش از ذبح در این جمله بمذهب
ابو حنیفه رحمه الله تنها قربانی واجب می شود ۵

فصل محظورات حج وعمره هفت نوعست وآن
دو جهت دارد یک جهت اثم از ارتکاب منهی و هتک حرمت
احرام ودوم جهت لزوم کفارت که پوشش کناه و زجر
است پس هیچ کس را روا نباشد که مرتکب آن شود باین نیت
که کوید برای انعام کنم دولت تا بفقرا و مساکین برسد
بلکه اثم ارتکاب آن بتوبه مرتفع شود نه بقربان یکن نقصان
احرام وحج وعمره و قربان مرتفع کردد و در نسیان
منجبر شود و اثم خود حاصل نبوده است اما محظور اول
پوشیدن جامها دوخته است همچون قمیص و قبا و جبه
و سراویل و یا دنه همچون جامها یی که دریشان نبس سوزن
نیافند یا منعقد همچون جامه نمدکاره و هر جامه که در
معنی باشد و پوشیدن موزه مکر از زیر کعبها اثر
باشد چنانکه مسح در آنجا روا نباشد و همچنین روی را
پوشیدن بمذهب ابو حنیفه رح لا غیر و سر را پوشیدن
بکلاه و عمامه و غیر آن باجماع و زن را روی پوشیدن
غیر جامها باجماع محظورست نکر پوشیدن یکی ازینها
روزی یا شبی تمام موجب قربان کوسفندیست بمذهب

ابو حنیفه و محمد پوشیدن بمذهب غیر او و در سایه
محمل و خیمه سر را داشتن بمذهب ابو حنیفه و شافعی رحمها
رواست و اکر سر شان بجامها خالی باشد و بمذهب مالک
رح مکروهست و بمذهب احمد محظورست تا سر را بلا
او بمحمل سایه کردن موجب قربان کوسفندیست و بمذهب
ابو حنیفه رحمه الله اکر اینکه کفته شد از محظورات
لباسی در کمتر از روزی یا شبی بوشد نیم صاع کندم
صدقه دادن کافی باشد واما محظور دوم استعمال
بوی خوش عضو تمام را بمذهب ابو حنیفه رح و هر
الله کی که باشد بمذهب غیر او موجب قربان کو
سفندیست و طیب مسکست و زعفران و عنبر
و کل و بنفشه و هر چه بوی او مقصود باشد غیر
هم و غیر توابل مثل توبل و امثال آن و اکر در
مجلسی بوی خوش سوزند چیزی واجب نشود
و اکر خادر آبدان بجسمی دارد قربان لازم شود
و خضاب کردن بحنا و سر را بخطمی شستن بمذهب
ابو حنیفه رحمه الله موجب قربان کوسفندیست و اما

طلب ازان جهت محظور است که بآن سبب استعمال کند
که طیب است نه بجهت تداوی بمذهب ابو حنیفه رح
واما محظور سوم استعمال کند واما مذهب شافعی
رح استعمال روغن زیت وکنجد در شانه کردن
موی بجهت ازالت شعث موجب قربانست ودر غیر
آن موجب نیست واما روغنی که بابوی خوش آمیخته
باشد بهر طریق که استعمال کند قربان لازم شود
واما محظور چهارم موی از خود بریدن یا کندنست
هر مویی که در چشم رسته باشد وبمذهب ابی حنیفه
رح موی سر وریش اگر ربعی را کم نه کند قربان
گوسفندی ودر باقی اعضا همچو سینه وساق وعانه
وزیر بغلهای یعنی بکم کردن موی از عضوی تمام قربان
لازم می شود ودر یکتار ازان صدقه نیم صاع طعام
ودر موی لب گرفتن چنانکه عادتست حلقی نیک
کند که موی لب چه مقدار باشد از ربع ریش بآن
مقدار صدقه دادن واجبست واما بمذهب
مالک رحمه الله تا همه سر یا همه ریش را موی کم نکند

قربان واجب نباشد ودر یکتار صدقه واجب باشد وبمذهب
شافعی رح در کم کردن سه تار موی قربان لازم است
ودر یکی بقولی مدی طعام وبقولی یک درم وبقولی ثلث
قربان گوسفندی وبقولی قربان تمام وبمذهب احمد
رح در چهار موی قربانی ودر یکتار هر موی مدی واگر
بسبب غلبه گرمی ویا جراحت یا مرضی سر تراش شد
روا باشد وفدیه شش مسکین را سه صاع طعام
دادن یا سه روز روزه داشتن یا قربان کردن
گوسفندیست واما بریدن ناخن بمذهب ابو حنیفه
رح دستی را تمام یا پای را تمام یا همه را در یک مجلس
ببرید یک گوسفند قربان کردن لازم است واگر
در چهار مجلس چهار دست وپای را ناخن گیرد
چهار قربان لازم شود ودر یکتار از دستی یا پایی
نیم صاع صدقه دادن بیش واجب نیست وعدد
را بمذهب وی اعتبار نیست وبمذهب شافعی واحمد
رحمهما الله حکم همانست که در موی ودر محرم که موی
غیر محرم را ببرد بمذهب ابو حنیفه قربان لازم شود

خلافاً للغير و اگر جنايات از يك جنس باشند باتحاد
مجلس وجوب فديه متعدد نباشد و اگر مجلس متعدد
بود باتحاد و اختلاف اجناس وجوب فديه متعدد
شود و بمذهب شافعی و احمد رحمهما الله نسيان در
پوشيدنها و استعمال بوی خوش و قبله و استمتاع
جماع بغير فرج عذرهست و در ديگر انواع جنايات
عذر نيست و فديه برنايی درهمه واجبست و در
وجوب فديه در لبس و طيب و موی ستردن و
ناخن چيدن تخييرست ميان قربانی گوسفند
و ميان اطعام شش مسكين هر يك را نيم
صاع گندم و ميان سه روز روزه داشتن
و باجماع اين صوم بمكان و زمان معين مخصوص
نيست و قربان باهل حرم دادن مخصوصست و اما
طعام بمذهب ابوحنيفه رح بحرم و اهل او
مخصوص نيست و اما محظور پنجم مجامعت است
و آن دو نوعست يكی در فرج و يكی در غير فرج اما
اول اگر جماع پيش از عرفات باشد باجماع حج را

باطل كند و كفارت واجب آيد و حج فاسد شده
را تمام بايد كردن و قضا در سال آينده واجب باشد
و آن كفارت بمذهب ابوحنيفه رح قربان گوسفنديست
و حكم زن نيز همين است الا در كفارت او خلافست
بقولی از شافعی رح بر زن واجب نباشد و بقولی
مرد تحمل كفارت كند چنانكه در صوم و اما اگر
جماع بعد از وقوف بعرفه پيش از حلق بمذهب
ابوحنيفه رح حج فاسد نشود ليكن بدنه واجب شود
و اما مجامعت اگر بعد از رمی و حلق باشد پيش
از طواف زيارت قربان گوسفند واجب بايد و حج
صحيح بود باجماع و اما بمذهب شافعی و احمد رحمهما الله
جماع پيش از وقوف و بعد از وقوف پيش از حلق
يا تقصير در حكم برابر است و سه چيز انجا
لازم است يكی فساد حج و دوم وجوب قضا و سوم
وجوب كفارت و آن بمذهب اولی اشتر پنج ساله
است اگر نيابد گاو دو ساله اگر نيابد هفت
گوسفند باز اگر نيابد بقيمت اشتر طعام بدهد يا

حرام دادن هر یکی را مدتی اکر یافت نشود بهر مدتی طعام
یك روز روزه داشتن امّا اکر بعد از حلق پیش
از طواف زیارت وقاع واقع شود یك کوسفند
قربان کردن کفایت باشد وبج درست بود بدرست
ترین قولی از عمد ونسیان در یناب یکسانست
بمذهب امام ابو حنیفه ومالك رحمهما الله ویك
قول از شافعی ره . وامّا خطور ششم مقدمات
جماعت چون قبله وملامسه وجماع فیما دون
الفرج وامثال آن غیر انزال بنظر وفکر وواجب
در ان قربان کوسفندیست یکی بمذهب مالك ره
وبروایتی از احمد ره فیما دون الفرج مع الانزال
مفسد حج است با وجوب بدنه وبروایتی وجوب
بدنه با صحت حج ودر انزال بنظر بکبار قربان کوسفند
واجب است ودر انزال بتکرار نظر بدنه خلافا
لشافعی وبمذهب ابو حنیفه ره خود عقد نکاح
کردن وبکسی زن دادن محرم را رواست ونکاح
منعقد وهیچ چیز واجب نه وامّا بمذهب شافعی

واحمد ومالك رحمهم الله هیچ کدام روا نیست
ونکاح منعقد نه وچیزی نیز واجب واما در عمره
اکر مجامعت پیش از سعی افتد عمره فاسد کردد
وبمذهب شافعی واحمد رحمهما الله بدنه چنانکه در حج
واجب آید وبمذهب ابو حنیفه ره کوسفند واجب
شود واکر بعد از سعی افتد بران قول از شافعی که
حلق رکن نیست عمره فاسد نشود وبران قول که
رکنست فاسد شود وکفارت ان بدنه لازم آید
وامّا خطور هفتم کشتن صید بری است
نه بحری است در احرام ودر حرم وآن هر جانوری
باشد بمذهب ابو حنیفه ره که در اصل خلقت
ممتنع ومستوحش باشد مأکول وغیر مأکول جز
آنچه مستثنی است بقول رسول صلعم وآن
پنج جانورست یکی سك کزنده ودوم کرك وسیم
خاد که مردار خارش کویند وچهارم کلاغ وپنجم
مار وکژدم کشتن اینها رواست ودر مقابله
قتل اینها هیچ چیزی واجب نیست واما بمذهب

شافعی ومالك رحمهما الله هر حیوانی بری که
غیر ماکول اللحم باشد رواست وموجب جزا نیست
بخلاف مذهب ابو حنیفه ره ونزدیك غیر او اشارت
ودلالت مکروهست لیکن موجب جزا نیست واما
جزاء صید بمذهب ابو حنیفه ره آنست که آن صید
را دو مرد عادل که قیمت آن دانند باعتبار آن مکان
یا جایی که نزدیك تر باشد بآن مکان قیمت کنند
وبعد ازان اگر خواهد بآن قیمت حیوانی خرد
ودر حرم قربان کند واگر خواهد بان قیمت طعام
خرد وبمساکین صدقه دهد هرجا که خواهد هر
مسکین را نیم صاع گندم یا صاع جو واگر خواهد
بعوض هر نیم صاع گندم یك روز روزه
دارد واما بمذهب شافعی ومالك واحمد
رحمهم الله بگویند که ان صید از حیوانات اهلی
همچون اشتر وگاو وگوسفند وبزغاله ومانند
آن چه مانند تر است آن مثل را قیمت کنند اگر
خواهد ان مثل بخرد وقربان کند واگر خواهد

بقیمت آن مثل طعام خرد وهر مسکینی از مساکین
حرم را مدی ازان طعام صدقه دهد وبمذهب
مالك ره بمساکین آنجا که جزا بر و واجب شده
است واگر خواهد بدل هر مدی روزی روزه
دارد وآن صید بمذهب ابو حنیفه ومالك ویك
قول از شافعی رحمهم الله تع مرد را باشد هیچ کس
را نشاید ازان خوردن وبقول دیگر از وی آن
کشنده حرامست وبغیر او حلال واگر صید
را جراحتی کند بقدر نقصان آن جراحت
صدقه بروی لازم اید وعمد ونسیان درین
برابرست ودر کشتن کبوتر بمذهب شافعی ره
وبعضی از اصحاب ابو حنیفه رحمهم الله قربان
گوسفندی واجبست وقمری وفاخته بنزدیك
بعضی در معنی او بند ودر حیوانات خرد مثل
کنجشك وغیر آن اعتبار قیمت راست بقیمت
آن صدقه دهد وهمچنانکه صید وقتل
حیوانات وحشی حرامست تعرض به بیضه

وبچهٔ ایشان وتنفیر ایشان حرامست واگر
آن بیضه شکسته شود ویا بچه هلاك کرده
بقیمت آن صدقه دادن واجبست ودر هرچه
ازین جنایات بر مفرد یك جزا واجب شود ودر
شرکت محرمان در قتل صید بر هر یکی جزاء کامل واجب
میشود بمذهب ابوحنیفه ره وبمذهب یکی
برهمه وقارن رایك جزا بیش واجب نشود و
واگر سبعی بر وی حمله کند واو ورا بکشد هیچ چیز
واجب نباید وگوشت صیدی که حلال کشته
باشد بر محرم حلال بود واگر باذن وامر
واشارت او نبوده باشد وهر حکمی که بر محرم
باحرام در غیر حرم ثابتست بر محرم وغیر محرم
نیز در حرم ثابتست بزیادت عدم جواز تعرض
بدرختان وگیاهان وخارهای حرم پس هر که
صیدی را از حرم بترساند یا تعرضی رساند
بزه کار باشد واگر بکشد غرامت آن بقیمت
بر وی لازم باشد بآن طریق که در احرام گفته

شد ودرخت حرم را بریدن وگیاه او را وخار
او را حرامست وقیمتان بر وی لازم باشد که
بفقراء حرم صدقه دهد مگر درخت اذخر را
که نوعی از گیاه مکه است وازجهت سقفها بآن
محتاجند این حکم در درخت وگیاهی است که
خود رسته باشد اما چیزی که کشته باشد
وعمل کسی را در آن مدخلی باشد آن کس را رسد
قطع آن واین نیز در چیزی باشد که حرث وزرع
آن عادت شده باشد اما چیزی که کشتن
آن عادت نباشد در حرمت داخل باشد واگر
در ملك کسی درختی یا گیاهی بنفس خود رسته
باشد بریدن آن ضمان واجب وبمذهب شافعی ره
در بریدن درختان بزرگ گوسفند لازم آید
ودر باریك قیمت وبمذهب ابوحنیفه ره در همه
قیمت لازم باشد صدقه دادن ودر درخت
خشك بریدن ضمان نباشد وبمذهب شافعی
وحرم مدینه همچون حرم مکه است در بعضی احکام

الا در ضمان دو وجهست و بمذهب ابو حنیفه ره
این احکام جاری نیست والله تعالی اعلم ٥

فصل وجوه ادای حج سه نوعست یکی افراد
وان چنانست که در وقت نیت احرام حج تنها
کند و بگوید اللهم انی ارید الحج فیسره لی
وتقبله منی و بمذهب مالك ره تنها در حج وعمره
اگر بر نیت دل اقتصار کند فاضلتر است از ان
که بزبان نیز بگوید و بعد از فراغ از تمام افعال
حج از حرم مکه بحل راند یعنی از سه جای یکی جعرانه
دوم تنعیم وسیم حدیبیه واز انجا احرام
عمره بندد و بگوید اللهم انی ارید العمرة
فیسرها لی وتقبلها منی و لبیك گویان سوی
مکه اید تا کعبه را ببیند تلبیه را قطع نکند
و بمذهب ابو حنیفه ره تا تقبیل حجر الاسود
نکند و باید که معتمر از باب ابرهیم در
مسجد الحرام در اید و طواف و سعی کند
وان گاه سر بتراشد و اگر موی ندارد استره

بر سر راند و از احرام عمره بیرون امد بیرون اید
واما وجه دوم ادای حج قرانست که در احرام
نیت حج و عمره باهم کند و گوید اللهم انی
ارید الحج والعمرة فیسرهما لی وتقبلهما
منی و تلبیه کند الا بر تا روز پیش از وقوف
بعرفات در امدن در مکه لازم میشود و چون
در اید اول طواف عمره کند و در سه گردش
اول رمل کند یعنی کتفها را جنبانیده و بدود
بمبالغه و در چهار گردش آهسته رود و
اضطباع نیز کند یعنی میانه ردای احرام
را در زیر بغل راست در آرد و هر دو کنار
را بر دوش چپ اندازد خواهد هر دو را از پس
خواهد یک طرف را پیش و یک طرف را
پس و دوش راست برهنه باید که باشد پس
میان صفا و مروه سعی کند بان صفت که
بعد ازین گفته شود و چون سعی تمام کند
انگاه بهمان احرام باز بطواف قدوم شروع

کند و سعی دیگر در پی آن بکند و رمل و
واضطباع بجز در طواف اول هر کدام باشد
نباید کرد و بهمان احرام با فعال حج مشغول
شود و پیش از حلق گوسفندی بجهت قران
قربان کند بعد از جمرهٔ عقبه و این جمله
بمذهب ابو حنیفه است ره و اما بمذهب شافعی
و مالک و احمد رحمهم الله قارن چون یک طواف
قدوم و یک سعی تمام کند بر با فعال حج مشغول
شود قارن باشد و عمره در حج مندرج کرده
چون اندراج وضو در غسل و اگر احرام در
عمره تنها گیرد در اشهر حج و پیش از شروع
در طواف حج او در عمره در آرد هم قارن
باشد و اما وجه سیم تمتع است که در اشهر
حج از میقات حج احرام عمره گیرد و بگوید
اللهم انی ارید العمرة فیسرها لی
وتقبلها منی و تلبیه گویان بمکه درآید
و طواف و سعی تمام کند و سر بسترد

و تمام از همه چیز حلال شود و آنگاه باز از
حرم احرام حج گیرد و بگوید اللهم انی
ارید الحج فیسره لی و تقبله منی آنگاه بعرفات
رود بعد از وقوف بعرفات و مزدلفه
در روز نحر یا بایام تشریق گوسفندی
قربان کند بجهت تمتع و بمذهب شافعی ره پیشتر
از نحر و ایام تشریق نیز این قربان روا باشد
و اگر قربان نباشد سه روزه در ایام حج روزه
دارد و هفت روز بعد از رجوع بخانه این
بمذهب ابو حنیفه ره و بعد از عرفات و منی
بمذهب احمد ره آن روزه در ایام تشریق
نیز روا باشد و بمذهب ابو حنیفه ره روا
نباشد و در تمتع پنج شرط است یکی تقدیم
عمره بر حج دوم وقوع عمره در اشهر
حج و سیم حج کردن همین سال و چهارم
آنکه میان وطن متمتع و میان مکه مسافت
قصر نماز باشد و این شرط چهارم

بمذهب غیر ابو حنیفه ره شرط وجوب هدی
است نه شرط صحت تمتع وشرط پنجم احرام حج از مکه
کرفتن وبمذهب شافعی ره بمجرد نیت احرام ثابت می
شود وبمذهب ابو حنیفه ره تا تلبیه نکند محرم
نکردد وبمذهب ابو حنیفه قران فاضلتر است
وبمذهب شافعی ومالک رحمهما الله تع افراد فاضلتر
است وبمذهب احمد ره تمتع فاضلتر است والله
تع اعلم **فصل** واجبات طواف اول
ستر عورت وطهارت از حدث واز نجاست
در بدن وجامه ومکانیکه در طواف قدم بر آنجا
می نهد دوم ترتیب چنانکه ابتداء طواف از
حجر الاسود کند ودر طواف خانه بر جانب دست
چپ او باشد سیم آنکه بجمله تن از خانه بیرون
باشد وشادروان وحطیم از خانه است
واکر بالای شادروان دست بر دیوار می مالد
ومی رود روا باشد زیرا که بیشتر تن بیرون
شادروان می افتد چهارم آنکه طواف در

اندرون مسجد الحرام باشد پنجم رعایت عدد
هفت کامل که اکر بر شش اقتصار کند بمذهب شافعی
ومالک رحمهما الله اصلا جایز نباشد وبمذهب ابو
حنیفه ره اکر سه کردش از طواف زیارت ترک
کند جایز باشد وقربان کوسفندی لازم شود
ششم دو رکعت نماز بعد از طواف کذاردن واجب
است وسنت آنست که در مقام ابرهیم کذارد
وهفتم نیت طواف است در غیر حج وعمره و
واما در حج وعمره اولی آنست نیت کند واکر
نیت نکند صحیح باشد علی الاصح زیرا که نیت حج
وعمره متضمن است هشتم موالات بین
الاشواط واصح بیش شافعی ره آنست که موالات
ودو رکعتی الطواف از سنن موکده است نه از واجبات
واما سنن وآداب طواف اولی آنست که ماشی
باشد واکبا الا لعذر دیکر اضطباع ورمل
واستلام حجر الاسود وتقبیل ووضع جبهه
بر آن ودیکر دعوات ماثوره که بعد از این مذکور

خواهد شد و دیگر آنکه در طواف خاضع و خاشع
باشد و دل خود را حاضر دارد و آداب ظاهر و
باطن را رعایت کند و امّا واجبات سعی اوّل آنست
که جمیع مسافتی را که میان صفا و مروه است
قطع کند که اگر یک خطوه یا کمتر باند آن سعی صحیح
نباشد دوم ترتیب است که در مرّه اولی ابتدا
از صفا کند و در مرّه ثانیه از مروه و برین
ترتیب باتمام رساند سیم تکمیل عدد هفتگانه
است بان طریق که رفتن از صفا بمروه را یکبار
کند و رفتن از مروه بصفا یکبار دیگر و علی
هذا القیاس چهارم آنکه سعی بعد از طواف
صحیح واقع شود چون طواف قدوم و طواف
زیارت و امّا سنن و آداب آن بعد ازین مذکور
شود ان شاء الله تع و امّا واجب در وقوف بعرفات
دو چیز است اوّل آنکه در وقت معیّن واقع شود
و آن زوال آفتابست در روز عرفه تا طلوع صبح
در شب عید دوم آنکه واقف بعرفات را آمر صلیه

عبادت باشد سواء فیه الصّبی والنّایم
وغیرهما و امّا مغمی علیه و سکوان چون صلاحیة
عبادت ندارند وقوف ایشان صحیح نیست و امّا
سنن و آداب ان بعد ازین بتفصیل مذکور شود
ان شاء الله تع **فصل** در ذکر تفاصیل
ارکان و سنن و اداب و ادعیهٔ حج باید که چون
عزیمت سفر حج کند اوّل هر مظلمه که در ذمّه
وی بوده باشد رد کند و نفقه و صداق زن
بتمامی برساند و مال حلال برای نفقه برگزیند
و جامهٔ احرام از بهترین وجهی مهیّا کند
دو جامه دو سفید و رفیق دین دار نیکوکار
طلب کند و جمله دوستان را وداع کند و از
هر یک دعا و همّت طلب و سنت در وداع بر
مسافر مقیم را گفتن این دعاست اَستَودِعُ
اللهَ دِینَكَ وَاَمَانَتَكَ وَخَوَاتِیمَ عَمَلِكَ وَمُقِیمُ
راسنت آنست که گوید فی حِفظِ اللهِ وَکَنَفِهِ
زَوَّدَكَ اللهُ التَّقوَی وَغَفَرَ ذَنبَكَ وَوَجَّهَكَ

للخیر اینما توجهت وچون از خانه خواهد که بدر آید
دو رکعت نماز بکند قل یا ایها الکافرون و سوره
و بعد از سلام دست بردارد و از سر حضور بگوید
اللهم انت الصاحب فی السفر والخلیفة
فی الاهل والولد احفظنا وایاهم من کل
آفة وعاهة • اللهم انی اعوذ بک من وعثاء
السفر وکآبة المنقلب وسوء المنظر فی الاهل
والمال والولد والاصحاب اللهم اجعلنا
وایاهم فی جوارک وچون بدر خانه رسد
بگوید بسم الله توکلت علی الله ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم • اللهم انی
لم اخرج بطرا ولا ریاء ولا سمعة بل خرجت
اتقاء سخطک وابتغاء مرضاتک وقضاء
دینک واتباع سنة نبیک وشوقا الی لقائک
وچون بدر آید روانه شود وبگوید اللهم بک
انتشرت وعلیک توکلت وبک اعتصمت
والیک توجهت • اللهم زودنی التقوی

واغفر لی ذنبی ووجهنی للخیر اینما توجهت واین
دعا را در منزل بگوید پس چون سوار شود بگوید
بسم الله وبالله لا اله الا الله والله اکبر سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین • وانا
الی ربنا لمنقلبون آنگاه هفت بار بگوید سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بگوید
الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا
ان هدانا الله • اللهم انت الحامل علی الظهر
وانت المستعان علی الامر وچون منزل را ببیند
بگوید اللهم رب السموات وما اظللن ورب
الارضین وما اقللن ورب الشیاطین وما ذرین
ورب البحار وما جرین اسئلک خیر هذا المنزل
وخیر اهله واعوذ بک من شر هذا المنزل وشر
ما فیه اصرف عنی شر اشرارهم • ودر هر منزلی
پیش از کار نهادن دو رکعت نماز سبک بگذارد
وهرگاه دشمنی یا حیوانی زبان کار پیش آید
دو دو فاتحة الکتاب وآیة الکرسی وشهد

الله وسورهٔ اخلاص ومعوذتین واول سوره
یس تا فهم لا یبصرون بخواند وکودیاران خود
بدمد وانکاه این دعا بخواند بسم الله ما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله حسبی الله توکلت
علی الله ما شاء الله لا یاتی بالخیرات الا الله
ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله حسبی
الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله
المنتهی ولا دون الله ملتجا کتب الله لاغلبن انا ورسلی
ان الله لقوی عزیز تحصنت بالله العظیم
واستعنت بالحی الذی لا یموت اللهم
احرسنا بعینک التی لا تنام واکنفنا بکنفک
الذی لا یرام وهرگاه که به بلندی بر آید تکبیر
گوید وه رپستی تسبیح بگوید وهمچنین در هر
هر شهری ومنزلی تا آنگاه که بمیقات
احرام رسد اول غسل کند به نیت احرام
حایض ونفسا وصبی را نیز این غسل سنت است
پس بعد از تمام کردن پاکی خود از موی های

لب وبغل وغانه وناخن چیدن واستعمال بوی
های خوش وبیرون کردن جملهٔ جامههای دوخته
دو چادر سفید را که مهیا کرده بود یکی را میان
بند دوم بر دوش اندازد وآنگاه دو رکعت
نماز بنیت سنت احرام بفاتحه وقل یا ایها
الکافرون وقل هو الله احد بگزارد وچون سوار
شود مرکوب و برودش آید از سر خضوع و
خشوع وشکستگی وبیچارگی حالت پیچیدن
در کفن واعراض همه عادتهای ومجرد شدن
از جملهٔ اسباب واتراب یاد آورد ونیت احرام
کند حج تنها یا حج وعمره یا بعمره تنها ودر
وقت نیت احرام بخاطر آورد که از جمله خلقها
وعادتهای بد که میان من وخلق بود از
همه بدر آمدم وهمه را بر خود حرام کردم
واز سر پاکی متوجه حضرت الوهیت شدم ودر زبان
در آن حالت بگوید اللهم انی ارید الحج فیسره
لی وتقبله منی اگر حج تنها گزارد واگر

حج وعمره مقارن بگذارد بگوید اللهم انی ارید الحج والعمرة فیسرهما لی وتقبلهما منی پس آنگاه باواز بلند تلبیه بردارد وبگوید لبیک اللهم لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لا شریک لک لبیک وسعدیک والخیر کله بیدیک والرغبی الیک لبیک بحجة حقا تعبدا ورقا وصلی الله علی سیدنا محمد وآله واصحابه اجمعین واگر خواهد بعد ازین بگوید در اول گرفتن احرام که اللهم انی نویت اداء فریضتک فی الحج فاجعلنی من الذی رضیت وارتضیت وتقبلت اللهم فیسر لی ما نویت من الحج اللهم قد احرم لک شعری ولحمی ودمی وعصبی ومخی وعظامی وحرمت علی نفسی النساء والطیب ولبس المخیط ابتغاء وجهک والدار الآخرة وهرگاه که هیئات مختلفه شود از انبوهی وتنگی جای وفراخی وبلندی وپستی ودیدن جماعتی یا تا که ندیم باشد تلبیه را تجدید کند باواز بلند

ودر پس نماز هم تلبیه سنت است پس چون نزدیک مکه رسد پیش از در آمدن بمکه بمذهب شافعی ره غسل کردن سنت است وبنزدیک دیگران رحمهم الله تع مستحب است وچون معلوم شود که حرم پای در نهاده این دعا بگوید اللهم هذا حرمک وامنک فحرم لحمی ودمی وشعری وبشری علی النار وامنی من عذابک یوم تبعث عبادک واجعلنی من اولیائک واهل طاعتک وسنت انست که در مکه وقت درون آمدن از راه ابطح که راه بالای مکه است درآید از جایی که او را کداء خوانند بفتح کاف ودر وقت بیرون آمدن از جانب زیر بیرون آید از موضعی که او را کداء خوانند بضم کاف وچون در مکه درآید وبجایی رسد که نظرش بر دیوار کعبه افتد اگر مشتاق باشد خود را آنجا از گریه ودر وقت بهیچ نبرد از دل اگر تواند در آن میان بگوید اللهم انت السلام ومنک السلام وداراک دار السلام تبارکت یا ذا

الجلال والاکرام اللهم هذا بیتک عظمته وکرمته
وشرفته اللهم فزده تعظیما وتکریما وتشریفا وزده
مهابة وزد من حجه برا وکرامة اللهم افتح لی ابواب
رحمتک وادخلنی جنتک واعذنی من الشیطان الرجیم
پس چون بمسجد حرام در آید باید که از باب بنی
شیبه در آید وبگوید بسم الله وبالله وفی سبیل
الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وسلم
وچون نظر بر کعبهٔ معظمه رسد بگوید الحمد لله
وسلام علی عباده الذین اصطفی اللهم صلی علی
محمد عبدک ورسولک وعلی ابرهیم خلیلک وعلی
جمیع انبیائک ورسلک پس دستها بر آرد و
بگوید اللهم انی اسألک فی مقامی هذا اول
مناسکی ان تقبل توبتی وتجاوز عن خطیئتی وتضع
عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته الحرام الذی
جعله مثابة للناس وامنا واجعله مبارکا و
هدی للعالمین اللهم انی عبدک والبلد
بلدک والحرم حرمک والبیت بیتک جئت اطلب

رحمتک پس انگاه اول قصد حجر الاسود کند ودست
راست را نزدیک بر انجا باید نهاد بوسه اش دهد
اگر بی آزار کسی میسر شود والا در مقابله با
یستد وبانگشت مسبحه دست راست باو اشارت
کند وبگوید اللهم امانتی ادیتها ومیثاقی
تعاهدته اشهد لی بالموافاة انگاه نیت طواف قدوم
کند وبشروع در طواف اضطباع کرده اعنی میان
رداء احرام را در زیر بغل دست راست در
آورده کنارهاش بر دوش چپ انداخته وسر
دوش راست را برهنه گذاشته تلبیه قطع
کند وپیش از انکه از حجر الاسود در گذرد بگوید
بسم الله والله اکبر اللهم ایمانا بک وتصدیقا
بکتابک ووفاء بعهدک واتباعا لسنة نبیک
محمد صلعم پس اول که از حجر الاسود بگذرد
در خانه را بر دست چپ ومقام ابرهیم را
بر دست راست داشته روان شود وچون بکعبهٔ
معظمه رسد وبگوید اللهم هذا البیت بیتک

وهذا الحرم حرمك وهذا الامن امنك
وهذا مقام العايذ بك من النار واشارت كند
بمقام ابراهيم اللهم بيتك العظيم ووجهك
كريم وانت ارحم الراحمين اعذني من النار ومن
الشيطان الرجيم وحرم لحمي ودمي على النار وامني
من اهوال يوم القيمة واكفني اهوال الدنيا
والاخرة پس تسبيح وتحميد كويان چون بركن عراقي
رسد پيش از كشتن از خطيم بكويد اللهم اني
اعوذ بك من الشرك والشك والنفاق والشقاوة
وسوء الاخلاق وسوء المنظر في الاهل والمال
والولد وچون بميانه خطيم رسد از بيرون
ديوار خطيم در مقابله ناودان كعبه بكويد
اللهم اظلنا تحت ظل عرشك يوما لا ظل
الا ظل عرشك اللهم اسقني بكاس محمد صلعم
شربة لا اظماء بعدها ابدا وچون از خطيم
تمام بكذرد بركن شامي رسد بكويد اللهم اجعله
حجا مبرورا وسعيا مشكورا وتجارة لن تبور

يا عزيز يا غفور وارحم وتجاوز عما تعلم انك
انت العزيز الاكرم وچون بركن يماني رسد اكر خواهد
انرا بوسه دهد كه پيغامبر صلعم بوسه داده است
واكر خواهد حجر الاسود ببوسه دادن مخصوص
دارد ودست بركن بمالد بحرمت وبعد ازان بر
دست بوسه دهد وبكويد اللهم اني اعوذ بك
من الكفر واعوذ بك من الفقر وعذاب القبر
وعذاب النار ومن فتنة المحيا والممات واعوذ
بك من الخزي في الدنيا والاخرة ودر ميانه ركن
يماني ودركن حجر الاسود بكويد ربنا اتنا في
الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب
النار الفقر وعذاب القبر وعذاب النار
وچون باز بحجر الاسود رسد يك دوره از طواف
تمام كرده بكويد اللهم اغفر لي برحمتك اعوذ
برب هذا الحجر من الدين والفقر وعذاب القبر
واين نكاه باز حجر الاسود را بوسه دهد ودر
دور ديكر شروع كند همان دعاها كه در دور

وشوط از حجر الاسود تا باز بحجر الاسود تمام کند در سه
اول که قفها را می جنبانند و می دوند مبالغت و انی
دویدن را رمل گویند وچهارم دو ود دیگر را با
اهستگی وهینت و وقار تمام کند انگاه بملتزم
اید که میان حجر الاسود و در کعبه است و موضع
اجابت دعاست و دست در استار کعبه زند
چون کسی که پناه برد بکسی و بهرد و دست دیوار کعبه
راد رکنار گیرد و شکم را بدیوار او ساید و روی
بران دیوار نهاده می ماند و می گوید اللهم یا رب
البیت العتیق اعتق رقبتی من النار واعذنی
من الشیطان الرجیم واعذنی من کل سوء واقنعنی
بما رزقتنی وبارك لی فیما اتیتنی اللهم ان هذا البیت
بیتك والعبد عبدك وهذا مقام العائذ بك
من النار اللهم اجعلنی من اکرم وفدك
علیك ودر آن مقام از سر حظور تمام حمد و
ثنا و حق تعالی وصلوات بر حضرت رسالت
صلعم بسیار بگوید بتضرع وزاری وگریه

مسکنت و بیچارگی خود را عرضه دارد وهر حاجتی
که باشد بعد از ان نحو اهد پس از انجا بمقام
ابرهیم رود و در پس آن دو رکعت نیت در
رکعتی الطواف بفاتحه وقل یا ایها الکافرون
وسوره اخلاص بگذارد بعد از ان بگوید اللهم
یسر لی الیسری وجنبنی العسری واغفر لی
فی الاخرة والاولی • اللهم اعصمنی بالطافك
حتی لا اعصیك واعنی علی طاعتك بتوفیقك
وجنبنی عن معاصیك • واجعلنی ممن یحبك و یحب
ملائکتك ورسلك • وعبادك الصالحین کما
هدیتنی الاسلام فثبتنی فیه بالطافك • ولا
یلك • واستعملنی بطاعتك • و طاعة رسولك • و
ومطابعته • واجرنی من مضلات الفتن پس بان
بحجر الاسود در رود وبوسه اشخ هد و اگر تواند
روی در وی مالد انگاه بر سعی اقدام کند و از
باب صفا که برابر ضلعی است که میان رکن یمانی
وحجر الاسود است بنیت سعی بیرون آید و بر

وبربالای درجها که بر صفاست برآید وروی
بکعبه آرد وچنان کند که روی کعبه در نظرش
آید که پیغامبر صلعم چنین کرده است و
وبگوید الله اکبر الله اکبر الحمد لله علی ما هدانا
الحمد لله بمحامده کلها علی جمیع نعمه کلها
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده
الخیر وهو علی کل شیء قدیر لا اله الا الله
وحده صدق وعده ونصر عبده واعز جنده
وهزم الاحزاب وحده لا اله الا الله ولا نعبد
الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره الکافرون
الحمد لله رب العالمین فسبحان الله حین تمسون
وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض
وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت
ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها
وکذلک تخرجون ومن آیاته ان خلقکم من تراب
ثم اذا انتم بشر تنتشرون اللهم انی

اسئلک ایمانا دائما ویقینا صادقا وعلما
نافعا وقلبا خاشعا ولسانا ذاکرا واسئلک
العفو والعافیة والمعافاة الدائمة فی
الدین والدنیا والآخرة وان تصلی علی سیدنا
محمد صلی الله علیه وسلم ودیگر هر دعایی که داند
بگوید وبخواند آنگاه از درجای کوه صفا بزیر آید
ودر وادی روان شود بسوی مروه ودر راه
این دعا میگوید رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم
فانک انت العزیز الاکرم اللهم ربنا
آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار وآهسته آهسته
میرود تا بآن نزدیک میل سبز رسد که بزاویه مسجد
الحرام است بیش از آن شش گز بدود تا بآن دو
د ومیل سبز رسد که بر یمین ویسار وادی ورا هست
آنگاه باز آهسته آهسته روان شود تا رسد
بمروه آنگاه بمروه بالا رود چنانکه بر صفا روی
بسوی صفا کرده همان اذکار ودعوات که بر کوه

صفا گفته اینجا بگوید و چینیندیك سعی تمام شود
و از انجا بازگشته همان دعا که در آمدن میخواند و
آهسته آهسته میرود تا بآن دو میل رسد بدود
بان تا بآن میل سبز و از انجا آهسته میرود تا کوه صفا
بر آید و بار دیگر در جهای کوه صفا بر اید چنانکه اول
بر آن تمراز کار و دعا ها که در اول گفته بود همه
بگوید و چنین شد و سعی تمام شد و همچنین همین هیأت
بر رفتار و دعا ها و اذکار هفت بار میان صفا
و مروه سعی تمام کند و این سعی از فریضه یا واجب
محسوب افتد چه شرط نیست که فرض سعی بعد از وقوف
بعرفات باشد اما طواف فریضه را شرط لازمست
بعد از وقوف باشد و با جماع طهارت در سعی
و وقوف مستحب است نه فریضه یا شرط اما در طواف
بمذهب شافعی واحمد و مالك رحمهم الله تع واجبست
نه فرض و شرط و در سعی شرطست که بعد از طواف
واقع باشد پس اگر مفرد باشد این طواف و سعی از
طواف قدوم و سعی فرض محسوب باشد و اما اگر

قارن بود و بمذهب شافعی واحمد رحمهما الله تع بر همین
یك طواف قدوم و سعی اقتصار کند و عمره اش در حج
مندرج باشد و اما مذهب ابو حنیفه و مالك رحمهما
الله تع این طواف و سعی اول که کرد از عمره اش محسوب
بود انکه بکار دیگر طواف و سعی کند بهمان هیأت و
ادعیه و اذکار مذکوره و لکن در این طواف دوم رمل
و اضطباع بکند و این طواف قدوم باشد که واجبست
بمذهب مالك و سنت بمذهب دیگران رحمهم الله تع
پس علی کل حال بعد از آن در مکه ساکن باشد بهمان
احرام و فرصت را غنیمت شمرد در حاجت ضرورت
باید که از مسجد الحرام بیرون نیاید و اوقات را
بطواف که از همه فاضلتر است یا بنماز که هر رکعتی
در مسجد الحرام مثل هزار رکعت بنص حدیث صحیح و
بروایة عن انس مثل ده هزار رکعت و بروایة ابن عباس
رضی الله تع عنهما از پیغامبر صلعم نماز در مسجد
یك رکعت مثل ده هزار در اماکن دیگر و یك رکعت
در مسجد مدینه ده هزار رکعت و در مسجد اقصی

هزار رکعت یا بنظاره کعبه مصروف میدارد که در
حدیث است که نظر کردن در کعبه عبادتست تا انکاه
که روز هفتم ذی الحجه در آید حسن بعد از نماز ظهر
یك خطبه بدو خطبه و مردم را بر استعداد
بیرون آمدن بمنی و عرفات و وقوف بعرفات و ادا
فرایض و لوازم آن تحریص کند و روز هشتم ذی الحجه
تلبیه کویان همان احرام اول سوی منی بیرون
آید اکر پیاده تواند رفتن فاضلتر باشد و چون
بمنی رسد بکوید اللّهمّ هذا منى وامنن بما مننت به
على اوليائك واهل طاعتك پس انشب در منی
باشد واکر خواهد که بعرفات رود روا باشد
لیکن تاشدبان متعلق نیست واکر انجا خسبد
اولی تر آن باشد که اکثر شب را در مسجد خیف بنماز
وذکر و تلاوت مصروف کند و چون بامداد عرفه
نماز صبح بجماعت بکزارد بعد از طلوع افتاب بکوه
پس روی بعرفات نهد و چون انجا رسد بکوید
اللّهمّ اجعلها خير غدوة غدوتها واقربها

من رضوانك وابعدها من سخطك اللّهمّ اليك
توجهت واياك اعتمدت ووجهك الكريم اردت
فاجعلنى ممن تباهى اليوم من هو خير منى وافضل
در عرفات اکر تواند بنمره نزدیك مسجد فرود اید که انرا
بطن عرنه کویند و وقوف در انجا محسوب نیست و چون
نزدیك زوال شود از جهت وقوف غسل کند که
ان غسل مسنونست باجماع و چون زوال محقق کردد
بیرون آید و براشتر سوار شود یا پیاده بمسجد
ابرهیم بر آید بمذهب ابو حنیفه ره بنشیند تا موذن
از اذان فارغ شود چنانکه در جمعه و انکاه
بخطبه شروع کند و بعد از فراغ از خطبه
دوم اقامت کند و امام بنماز شروع کند بمذهب
مالك ره بعد از فراغ امام از هر دو خطبه موذن
اذان و اقامت بیکبار بکوید و خطیب بنماز شروع
کند و بمذهب شافعی و احمد رحمهما الله موذن
بعد از خطبه اول در میان خطبه دوم
باذان شروع کند و اذان را باقامت پیوندد و بفراغ

مؤذن از اقامت بایدکه خطیب از خطبه دوم فارغ
شده باشد وخطیب باید که در خطبهٔ مردم را وقوف
بعرفه وافاضت از عرفات ووقوف بمزدلفه ورمی جمار
وحلق وذبح وطواف زیارت تعلیم کند پس نماز ظهر
وعصر بیك اذان ودو اقامت جمع کند ومیان هر دو
نماز بنافله مشغول نشود وبمذهب ابوحنیفه ره
جمع میان عصر تنها کنار را جایز نیست وباجماعت
بامام روا است لا بغیر خلافا لغیره واما در مزدلفه
روا است تنها کذار را جمع کردن انکاه روی بموقف
آورد وجهد را از وقوف در بطن عرنه نکاه دارد
وجهد کند تا نزدیك امام ایستد روی بقبله
آورد واکر تواند نزدیك کوه عرفات سنگهای
بزرك است بر دامن کوه عرفات آنجا ایستادن بهتر
است وامام باید در وقوف متابعت مصطفی صلعم
کند وبر اشتر سوار وقوف کند وادعیهٔ ماثوره
را بلند خواند تا خلق متابعت کنند ومصطفی صلعم
چون وقوف کرد دعا و دست برآورد همچون کسی که
از سر مسکنت واضطرار نان خواهد وسؤال کند
بیاده وقوف روا باشد وهر جهدی که ممکن باشد
در دعا وتکبیر واستغفار وتهلیل وادعیه که
یاد کرده می شود بنماید ودر آن هیچ تهاون واهمال
نکند ودر میانه تلبیه نیز میکوید وصلوات
بر مصطفی صلعم نیز می فرستد ودر روز عرفه باید که
روزه ندارد تا در دعا واستغفار جد تواند نمود واز
دعاهای مروی از مصطفی صلعم واز صحابه رضی الله عنهم
واز سلف صالح ره در روز عرفه اینست صد بار
لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر • وبعد از آن اللهم اجعل فی قلبی
نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا اللهم
اشرح لی صدری ویسر لی امری • اللهم رب الحمد
لك الحمد کما تقول وخیرا مما نقول لك صلوتی ونسکی
والیك مآبی ولك محیای ومماتی والیك ثوابی •
اللهم انی اعوذ بك من وساوس الصدر وشتات

الامر وعذاب القبر اللهم اني اعوذ بك من شر
ما يلج في الليل والنهار ومن شر ما تهب به
الرياح ومن شر بوائق الدهر • اللهم اني اعوذ بك
من تحول عافيتك وفجاة نقمتك وجميع سخطك
اللهم اهدني بالهدى واغفر لي في الآخرة و
الاولى يا خير مقصود واكرم منزول عليه واكرم
مسئول يا الله اعطني الليلة افضل ما اوتي احد
من خلقك وحجاج بيتك يا ارحم الراحمين •
اللهم يا رفيع الدرجات ويا منزل البركات
ويا فاطر الارضين والسموات ضجت اليك
الاصوات بصنوف اللغات تسالك الحاجات
وحاجتي ان لا تنساني في دار البلى • اللهم انت تسمع
كلامي وترى مكاني وتعلم سري وعلانيتي انا
البائس الفقير المستغيث المستجير المشفق
المعترف بذنبه اسألك مسألة المسكين وابتهل
اليك ابتهال المذنب الذليل وادعوك دعاء الخائف
العاجز دعاء من خضعت رقبته فاضت لك عبرته

وذل لك خده ورغم لك انفه اللهم لا تجعلني
بدعائك رب شقيا وكن لي رؤوفا رحيما • يا خير
المسئولين واكرم المعطين الهي من مدح اليك
نفسه فاني لائمها ولائمها التي اخرست المعاصي
لساني فما لي وسيلة من عمل ولا شفيع سوى الامل
اليك • اللهم اني اعلم ذنوبي لم تبق لي عندك جاها
ولا للاعتذار وجها ولكنك اكرم الاكرمين •
اللهم اني لم اك اهلا ان ابلغ رحمتك اهل ان
تبلغني رحمتك وسعت كل شيء وانا شيء • اللهم
ان ذنوبي وان كان عظيما ولكنها صغار في
جنب عفوك فاغفرها يا كريم الهي انت انت وانا
انا انا العواد الى الذنوب وانت العواد الى
المغفرة • الهي ان كنت لا ترحم الا اهل طاعتك
فالى من يفزع المذنبون الهي تجنبت عن طاعتك
عمدا وتوجهت الى معصيتك قصدا فسبحانك
ما اعظم حجتك علي واكرم عفوك عني فبوجوب
حجتك علي وانقطاع حجتي وفقري اليك وغناك

عني الا غفرت لي يا خير من دعاه داع وافضل
من رجاه راج بحرمة الاسلام وبذمة محمد عليه
الصلوة والسلام اتوسل اليك فاغفر لي
جميع ذنوبي واصرفني من موقفي هذا مقضي الحوائج
وهب لي ما سألت وحقق رجائي فيما تمنيت الهي
دعوتك بالدعاء الذي علمتنيه وامرتني به فلا
تحرمني الاجابة والرجاء الذي عرفتنيه وعدتني
الهي ما انت صانع العشية لعبد مقر لك بر
بذنبه خاشع لك بذلة مسكين معترف بجرمه
متضرع اليك من عمله تائبا اليك من اقترافه مستغفر
لك من ظلمه مبتهل اليك بالعفو عنه طالب
راغب اليك في انجاح حوائجه راج اليك في
موقفه مع كثرة ذنوبه فيا ملجأ كل حي وولي كل
مؤمن من احسن فبرحمتك يفوز ومن اساء فبخطيئته
يهلك اللهم اليك خرجنا وبفنائك انخنا
واياك املنا وما عندك طلبنا ولاحسانك
تعرضنا ورحمتك رجونا ومن عذابك اشفقنا

ولبيتك الحرام حججنا يا من يملك حوائج السائلين
ويعلم ضماير الصامتين يا من ليس معه رب يدعى
يا من ليس فوقه ولا دونه خالق يخشى يا من ليس له وزير
يؤتى ولا حاجب يرشى يا من لا يزداد على السؤال
الا كرما وجودا على كثرة الحوائج الا تفضلا واحسانا
انك جعلت لكل ضيف قرى ونحن اضيافك فاجعل
قرانا منك الجنة اللهم ان لكل وفد جائزة
ولكل سائل عطية ولكل راج ثوابا ولكل مسترحم
عندك رحمة ولكل راغب اليك زلفة ولكل متوسل
عفو وقد وفدنا الى بيتك الحرام ووقفنا هذه
المشاعر العظام وشاهدنا هذه المشاهد
الكرام لما عندك فلا تخيب رجاءنا الهنا انت قلت
في كتابك المبين لمحمد خاتم النبيين قل
للذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف
فارضاك عنهم الاقرار بكلمة التوحيد بعد
الجحود وانا نشهد بالتوحيد مخبتين ولمحمد صلعم
بالرسالة مخلصين فاغفر لنا بهذه الشواهد

سؤال الف الاجرام ولا تجعل حظنا انقص من حظ
من دخل في الاسلام المنا انك احببت التقرب بعتق
ما ملكت ايماننا ونحن عبيدك وانت اولى بالتفضل
فاعتقنا وانك امرتنا بالتصدق على فقرائنا
نحن فقرائك وانت احق بالتطول فتصدق علينا
ووصيتنا بالعفو عن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا
وانت احق بالكرم فاعف عنا ربنا اغفر لنا
وارحمنا انت مولانا • ربنا اتنا في الدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب
النار • وبعد ازين دعاها اين دعاء حضر را هم
بسيار مكرر كند كه يا من لا يشغله سمع عن سمع
ولا يشتبه عليه الاصوات يا من لا يغلط السائل
ولا تختلف عليه اللغات يا من لا يبرمه الحاح
الملحين ولا تضجره مسئلة السائلين اذقنا
برد عفوك وحلاوة رحمتك وبعد ازين دعاها
استغفار صد بار وتسبيح سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اكبر صد بار وصلوات

صد بار ومیان دعاها هر بار که دعایی ومسکنتی
تازه کند در اول واخر صلوات فرستادن سبب
اجابت وقبول دعاست وازجهة مادر وپدر خصوصا
وازجهة مسلمانان عموما استغفار کند بسیار ودر
الحاح وتضرع بسیار بکار برد وسوال هر چند
بزرگتر بود کو بهتر پسندیده تر اند وبنزد اکرم الاکرمین
اولیتر وپسندیده تر وباجابت نزدیکتر باشد
پس تا نزدیک غروب بدینها وتضرع وزاری مشغول
باشد وچون غروب نزدیک شود استعداد افاضت
کند از عرفات ونباید که پیش از امام حرکت نکند
از جای خویش بسوی منی واگر خواهد بجهة دفع ازدحام
پاره پیشتر رود بشرط ان که از اندرون میل
که نشان حد عرفاتست بجانب راه منی نگذرد تا آفتاب
تمام غروب کند زیرا که انضمام جزوی از شب
با جزوی از روز در وقوف عرفات بمذهب مالک
ره رکن است وبمذهب دیگران واجب وترکش
وجوب قربان متعلق وبعد از غروب افتاب

در حرکت آید با امام و جمله خلایق تلبیه گویان بآواز
بلند بسوی مزدلفه روان شود بآهستگی و سا کنی
و بمذهب مالک ره تلبیه را با جمره اولی قطع کند
و بعد از آن تکبیر گوید و بنزدیک دیگران تلبیه را
با جمرهٔ اولی قطع کند و نماز شام بگذارد اینجا
و بگذارد تا مزدلفه با نماز خفتن جمع کند
و بمذهب ابوحنیفه ره جمع میان عصر و ظهر
و مغرب و عشا جز درین دو روز روا نیست پس چون
بمزدلفه رسد غسل تازه کند چه مزدلفه
از حرم است و بجهت دخول در حرم غسل
مسنونست بمذهب غیر ابوحنیفه ره پس این دعا
بخواند اللهم هذه مزدلفة فيها السنة
مختلفة نسألك حوائج مؤتنفة فاجعلني
ممن دعاك فاستجبت له وتوكل عليك فكفيته
پس بنماز مشغول شود و میان مغرب و عشا
جمع کند خواهد با امام بجماعت و خواهد
تنها و بجماعت فاضلتر بیک اذان و دو اقامت

و دو میان هر دو و فریضه بجز اقامت فاصله
نکند و بعد از فراغ از فرایض نوافل هر دو و فرض
را و وتر را بترتیب بگذارد پس آن شب بمزدلفه
باشد و شب بودن بمزدلفه نیمهٔ اولش بمذهب
غیر ابوحنیفه از مناسک مجبوره بالدم است
و بمذهب ابوحنیفه ره در ترکش چیزی واجب نیست
الا در ترک وقوف بمزدلفه بعد از صبح بنماز قربان
واجبست بمذهب ابوحنیفه خلافا للغیر پس در
آن شب مستحبست که هفتاد سنگ انجا جمع
کند آماده و ودار و بجهت رمی جمار هر سنگی باندازهٔ
باقلی و احیای این شب از مستحبات است و چون
پس نماز صبح را باتفاق در اول وقت بتاریکی بگذارد
و روانه شوند تا بمشعر حرام رسند که آخر مزدلفه
است آنجا تا وقت روشن شدن تمام وقوف
کردن از واجبات از واجباتست بمذهب ابوحنیفه
ره و بمذهب غیر او سنت است و بترکش چیزی
واجب نیست و آنجا در وقت وقوف بمزدلفه

اين دعا بخوانند اللهم بحق المشعر الحرام والبيت
الحرام والشهر الحرام والركن والمقام بلغ روح محمد
صلعم منا التحية وادخلنا دار السلام يا ذا
الجلال والاكرام ومزدلفه همه موقف
است الا وادي محسر كه موقف نيست پس چون تمام
روشن شود پيش از طلوع آفتاب از آنجا بسوي منى
روان شوند چون بوادي محسر رسد اشتر تيزتر
رانند وپياده تيزتر رود تا اندازه آن وادي
بگذرند وتلبيه وتكبير گويند چون صبح روز
نحر شود وقتي تلبيه كنند و وقتي تكبير گويند
تا بمنى رسند آنگاه از موضع جمره بگذرند
وهيچ توقف نكنند وسنگ آنجا بيندازند تا بجمره
سيم رسند كه آنرا جمرة العقبه گويند وآن در
راه بر يمين مستقبل قبله است اندكي بلند تر از
راه پس از طلوع آفتاب بمقدار نيزه هفت سنگ
بيندازند وبا اول سنگ تلبيه را قطع كنند
وروي بقبله بايستيدن واگر روي بجمره كنند

روا باشد وسنگ اگر خواهد بر پشت ابهام دست
راست نهد وبمسبحه رد كند وبيندازد چنانكه مقدار
پنج گز از اندازه ده دور تر افتد وبايد كه در موضع
جمرات افتد نه دور تر واگر خواهد سنگ را بسر انگشت
مسبحه وسر انگشت ابهام بگيرد چنانكه محاسب عقد
ثلثين ميگيرد وبيندازد بعد وبا هر سنگي كه بيندازد
بعد از تكبير اين دعا گويد اللهم ايمانا بك
وتصديقا بكتابك ووفاء بعهدك ومتابعة
لسنة نبيك صلعم وچون هفت سنگ انداختن
تمام كند هيچ چيزي از دعا وغير آنجا توقف
نكند وبمذهب غير ابو حنيفه رمي جز بسنگ روا
نيست وبمذهب ابو حنيفه ره لكن سخت وهر چيز از
جنس زمين باشد سخت شده روا باشد پس از آنجا
باز گردد وبذبح قربان مشغول شود اگر دارد وسنت
در ذبح انست كه قربان بنفس خود كند وروي خود
وقربان بسوي قبله كند وبگويد اللهم منك وبك
ولك وتقبل مني كما تقبلت من خليلك ابرهيم ع

وبا کاو دیتر دود بکشد وقربانی اشتر فاضلتر
بعد ازان کاو وبعد ازان کوسفند وکوسفند
فاضلتر از مشارکت در اشتر وکاو که هر اشتری
وکاوی از هفت کس جایز نیست وبهتر کوسفند ست
پس بر وسعید انکاه عید انکاه سوم او اکر قارن
یا متمتع بوده باشد اکنون قربان کردن فاضلتر
است وشرایط قربانی همانهاست که در اضحیه
اعتبار کرده شد است پس بسر ستردن مشغول شود
وسنت در موی ستردن انست روی بقبله نشیند
واز پیش سر تراشیدن اغاز کند وجانب راست را
تا استخوان که بالای بنت عذاریست بتراشد
ودر وقت ستردن موی بکوید اللهم اثبت لی
بکل شعرة حسنة وامح بها سیئة وارفع
لی بها درجة وزن از موی سر مقدار سر انکشتی
سر موی را ببرد ومرد او قصر نبرد واست و اکر
بر سر موی ش نباشد استره بر سر راند وچون
بعد از رمی جمرة العقبة حلق یا قصر کرد حج

جماع یا صید همه چیز بر وی حلال شود بمذهب
مالك واحمد وطیب مع جماع پیش از طواف زیارت
حلال نیست وبمذهب شافعی ره در یوم نحر
بعد از ظهر امام یك خطبه کوید ومردم را طواف
زیارت ورمی جمار تعلیم کند وبمذهب ابو حنیفه
ره در روز نحر خطبه مسنون نیست بلکه بنزد وی
مسنون سه خطبه است یوم سابع وعرفه واول
ایام تشریق وبمذهب شافعی ره چهار خطبه مسنون
است سابع وعرفه ونحر ودوم ایام تشریق الا
انك روز عرفه باجماع دو خطبه کوید ودر میان
بنشیند همچون خطبه جمعه ودر دیکرها یك خطبه
انکاه قصد مکه کند بجهت طواف زیارت وبعینه
وچون طواف زیارت بان هیئت وصفت وادعیه
که کفته شد در طواف قدوم بکند الا رمل
واضطباع اکر طواف قدوم کرده باشد بکلی حلال
شود واکر این طواف اصلا نکند همیشه محرم ماند
واول وقت طواف زیارت بمذهب شافعی ره بعد

از نیمهٔ شب است از یوم النحر و بمذهب غیر او طلوع
فجر یوم النحر و آخر وقتش بطریق جواز هر وقت که خواهد
و بطریق وجوب آخر ایام تشریق اگر از این تاخیر کند
قربانی لازم شود و بمذهب ابو حنیفه ره و اگر بعد
از طواف قدوم سعی کرده باشد بعد از این طواف
سعی نکند و آنگاه باز بمنی رجوع کند و شب بمنی
باشد و احیای این شبها در مسجد خیف و مراعات
نماز جماعت در وی فضیلت بی شمار دارد و در روز دیگر
که اول ایام تشریق باشد وقت زوال غسل
کند بجهت رمی جمار و این غسل بمذهب شافعی و مالک
و احمد رحمهم الله مسنون است و بعد از زوال
نماز ظهر در مسجد خیف با امام جماعت بگذارد
و آنگاه رود بجمرهٔ اولی که نزدیک مسجد
خیف است و آنجا هفت سنگ بیندازد با هر سنگی
تکبیر میگوید پس چون از سنگ انداختن بهمان
صفت که در جمرة العقبه گفته شد فارغ شود
حیثند از جای سنگ انداختن در ترک رود

و آنجا روی بر یسار خود داشته و روی بقبله
دستها برداشته تکبیر و تهلیل و استغفار
و صلوات و دعا از سر ضراعت و مسکنت و حضور
و خشوع جوارح و جمع هم مشغول شود و هر دعا که
خواهد بکند و هر حاجتی که دارد بخواهد و بمقدار
آن که کسی سورة البقره بخواند توقف کند
بعد از آن و ذکر مشغول بجمرهٔ میانی رود و آنجا
نیز هفت سنگ بیندازد و همچنین مستقبل
قبله جمره را بر دست راست گذاشته بتحمید و تمجید
و تکبیر و تهلیل و استغفار و صلوات بسیار
و دعا و تضرع زمانی دراز چنانکه در اول صرف
کند آنگاه بجمرة العقبه آید و آنجا نیز هفت سنگ
بیندازد و بعد از آن هیچ توقف نکند و زود
بمنزل رجوع کند و آن شب نیز در منی باشد
و دو روز دیگر که دوم ایام تشریق است بهمان صفت
و طریق که در روز پیشین گفته شد بعد از زوال
نماز ظهر گذارده برمی جمار مشغول شود در رمیه

جمره و هر جمره هفت سنك بيندازد اخرين جمره
عقبه انكاه او مخير باشد ميان انكه در منى مقام
كند و روز ديكر ست و يك سنك ديكر اندازد
و در ين سه جاي كه كفته شد بهمان صفت كه در
روز كذشته كرده بود و ميان انكه بمكه درايد و در
روز سيم از ايام تشريق ازوي ساقط شود
واكر درين روز بعد از غروب انجا باشد بعد
ازان لازم شود و در منى باشد و روز ديكر سنك
انداخته بمكه درامدن و چون عزم كند درين
روز سنت انست كه چون بمحصب رسد كه انرا
ابطح نيز كويند انجا منزل كند و نماز عصر
و مغرب و عشا انجا بكذارد انجا يكي سبك
بكند وانكاه بمكه درايد انكاه بعمره مشغول
شود چنانكه كفته شد بمذهب ابو حنيفه
ره سنت است و بمذهب غير ابو حنيفه ره
فريضه و كيفيت اذ در صفت تمتع بيان كرده
شد و هرچه در احرام حج سنتاست و مستحب

از غسل و بوي خوش و تنظيف پيش از احرام و از
محظورات و اداب وغيرها در احرام عمره همانست
الا انك چون بميقات احرام رود بايد كه در مسجد
عايشه دو ركعت نماز بكذارد و مادام كه در مكه
مقيم باشد عمره بسيار كند و شيخ سعيد فرغاني
مي فرمايد كه ما ديدم كه هر شبانروزي چهار عمره
مي اورند و بايد كه مشاهد را زيارت كند
و مجاوران بنفس و مال هرچه تواند خدمت كند
و هرچه دست دهد از صدقه بر اهل حرم تقصير
و تاخير نكند كه همچنانكه بروايت عبدالله بن
عباس رضي الله عنهما يك ركعت نماز در مسجد
الحرام بجاي صد هزار ركعت نمازست در جاي
ديكر صدقه نيز همچنين است و تا تواند ازچاه زمزم هر
روز از اب بدست خود ميكشد و بسيار ميخورد و اين
دعا در وقت خوردن ميخواند • اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ
شِفَاءً كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَارْزُقْنِي الْإِخْلَاصَ وَ
وَالْيَقِينَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

[illegible]

زیرا که مصطفی صلعم فرموده است که ماء زمزم لما
شرب له یعنی آب زمزم بهر نیتی خورده شود آن
مقصود حاصل آید خواه نیت شفا از امراض ظاهری
وخواه از امراض باطنی یا مقاصد ومطالب دینی و
خواهد در کعبهٔ معظمه آید باید که از سر خشوع
وهیبت وشرمساری آید چه از بعضی بزرگان پرسیدند که
در خانهٔ خدای تع در آمدی گفت والله مرین پایهای
خود را که میدانم بچه سعیهای باطل وفضول مشغول
بوده اند سزاوار آن نمیدانم که گرد خانه او بیرون
طواف کنم با ایشان چون روا دارم که باین پایها
در خانه تو ام رفت وچون درآید نیت کند که بعد ازین
پایها را که بشرف ملامس این خانهٔ معظم
مشرف شده است بسعی در باطل وتردد بدرگاه
ظالمان که دشمن داشته ونفرین کرده گان خدای
تع اند قال الله تع الا لعنة الله علی
الظالمین آلوده نکنم وپای برهنه درآید وبنماز
میان دو استون کعبه مشغول شود وبتضرع

وابتهال

وابتهال هر چه تمام تر خود را و مادر وپدرش را آمر
زش خواهد و در مدت مقام بمکه اگر خواهد شبها را
زنده دارد بطواف که افضل ترین اعمالست یا بنماز
یا بنظر در کعبه که فضیلتی عظیم دارد زیرا که ابن
عباس رضی الله عنهما از مصطفی صلعم روایت
میکند که ینزل علی هذا البیت کل یوم مائة وعشرون رحمة
ستون للطائفین واربعون للمصلین وعشرون
للناظرین وچون عزیمت رجوع کند از جملهٔ اشغال
فراغت تمام حاصل کرده در ساعت خروج از مکه
آخر همه کارها باید که طواف وداع باشد که بمذهب
غیر مالک واجبست وترکش موجب قربان مگر از مسافت
کمتر از جواز قصر رجوع کند وطواف وداع بکند که
قربان ازوی ساقط شود والا گوسفندی بحرم فرستد
تا قربان کنند وچون از طواف وداع که طواف صدر
نیز خوانند فارغ گردد دو رکعت از سر حضور بگذارد
انگاه بزمزم رود وآب بسیار بخورد وبملتزم که
میان باب ومیان حجر الاسود است بیاید واز

چنانکه گفته شد در کار رکن و بگوید و زاری هرچه
تمامتر بکوید اللهم هذا البیت بیتک والعبد
عبدک وابن عبدک وابن امتک حملتنی علی ما سخرت لی
من خلقک حتی سیرتنی فی بلادک وبلغتنی فی
بنعمتک حتی اعنتنی علی قضاء مناسکک فان کنت
رضیت عنی فازدد عنی رضاء والا فمن الآن بالعفو
والمغفرة قبل تباعدی من بیتک وهذا اوان انصرافی
ان اذنت لی غیر مستبدل بک ولا راغب عنک
ولا عن بیتک اصحبنی العافیة فی بدنی والنعمة
فی دینی واحسن منقلبی وارزقنی طاعتک ما
ابقیتنی واجمع لی خیر الدنیا والآخرة انک
علی کل شیء قدیر • اللهم لا تجعل هذا آخر
عهدی ببیتک الحرام وان جعلته آخر عهدی
فعوضنی عنه الجنة • پس بار دیگر حجر الاسود را
بوسه دهد و روی در و مالد و آنگاه گریان و نالان
وداع کند و روانه شود و باید که تا از مسجد الحرام
تمام بیرون نیاید چشم را از کعبه بر ندارد و دوی

از وی بکلی نکرده اند و علامت قبول حج ده چیز است
اول زهد در دنیا دوم اقبال بر آخرت بتحصیل
اسباب معاد سیم رحمت از خلق فرو داشتن و چهارم
تحمل زحمتهای خلق پنجم مکافات بدیها قولا و فعلا
کردن بخیر ششم همه احوال با یاران و همراهان بخلق
خوش زیستن و هفتم لقمه از حلال بخود میسر شود
دل فارغ داشتن و هشتم ترک کردن هر معصیتی که
پیش از حج از وی در وجود می آید و نهم صحبت
یاران بطالت و جهالت را بصحبت اهل صلاح و علما
بدل کردن و نهم مجالس لهو و غفلت را بمجالس ذکر
و فقه عوض کردانیدن و دهم بکنار در حج
عجب و خود نادیدن و بر کسی که حج نکرده باشد تکبر
نانمودن و علامت ترک عجب آن باشد که حج در
مجالس بسیار نگوید و بآن افتخار نجوید والله
سبحانه هو الموفق **فصل** در زیارت رسول
پس چون از قضیه و اداء حج و زیارت خانه خدای
تع تمام فراغت یافت زود شد بعد از آن بزیارت

روضهٔ رسول صلعم باید شتافت قال رسول
صلعم من وجد سعة ولم یفد الی فقد جفانی
ومن جائنی زائرا لا یهمه الا زیارتی کان حقا علی
ان اکون له شفیعا پس چون بر قصد زیارت مصطفی
صلعم بسوی مدینه روانه شود باید که در راه
صلوات بروی بسیار فرستد و چون بمدینه رسد
و نظرش بر درختهای و دیوارهای مدینه افتد
بگوید اللهم هذا حرم رسولك فاجعله لی وقایة
من النار امانا من العذاب وسوء الحساب
پس بحمام در آمدن در مدینه غسل آرد و بوی
خوش استعمال کند و بهترین و پاکیزه ترین
جامها که دارد در پوشد و چون در مدینه
خواهد که در آید متواضع و مسکین و محتاج وار
در آید از سر تعظیم وقار و حضور بر روضهٔ
مطهرهٔ رسول صلعم زیرا که فرموده است که
من زارنی بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی پس
ذات مبارکش را زنده باید دانست و حاضر

باید شمرد و از سر خضوع و خشوع بحرم محترم او در
آید و در وقت در آمدن در شهر مدینه علی ساکنها
السلام والتحیه بگوید بسم الله وعلی ملة رسول
صلعم رب ادخلنی مدخل صدق واخرجنی
مخرج صدق واجعل لی من لدنك سلطانا نصیرا
پس قصد در مسجد حرام کند و در پهلوی منبر رسول
صلعم دو رکعت نماز بنیت تحیة مسجد بگزارد
چنانکه عمود منبر در مقابله دوش راستش باشد
و استونی که پهلوی او صندوقیست که علامت
جایگاه سر مبارك اوست صلعم در پیش او
باشد و دایره که در قبلهٔ مسجد است میان و چشمش
بود چرا که موقف او صلعم بوده است پیشتر
از آنکه مسجد را تغییر کردندی انگاه بقبر معطر
و روضهٔ مطهر او صلعم باید و در روضه در
مقابله روی مبارکش بایستد لیکن روضه
را پشت بباید که آن بحرمت نزدیکتر باشد انگاه
بگوید السلام علیك یا رسول الله السلام

دیوار

عليك يا نبي الله السلام عليك يا امين الله السلام
عليك يا حبيب الله السلام عليك يا صفوة الله
الله من خلقه السلام عليك يا خيرة الله من عباده
السلام عليك يا احمد السلام عليك يا محمد السلام
عليك يا ابا القاسم السلام عليك يا نذير السلام
عليك يا طهور السلام عليك يا طاهر السلام عليك
يا اكرم ولد آدم السلام عليك يا سيد المرسلين
السلام عليك يا خاتم النبيين السلام عليك
يا رسول رب العالمين السلام عليك يا قايد
الخير السلام عليك يا فاتح البر السلام عليك
نبي الرحمة السلام عليك يا شفيع الامة
السلام عليك يا كاشف الغمة السلام عليك
يا قايد الغر المحجلين السلام عليك يا سابق
المتقدمين السلام عليك يا سابق المتاخرين
السلام عليك وعلى اهل بيتك الذين اذهب
الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا السلام
عليك وعلى اصحابك الطاهرين الطيبين وازوا[جك]

الطاهرات امهات المومنين جزاك الله عنا
خير ما جزى نبيا عن قومه ورسولا عن امته
وصلى عليك كلما ذكره الذاكرون او غفل عن
ذكره الغافلون وصلى عليك في الاولين والا[خرين]
افضل واكمل واجل واعلى واطيب واطهر ما صلى
على احد من خلقه كما استنقذنا بك من الضلالة
وبصرنا بك من العماية وهدانا بك من الجهالة
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله وامينه
وصفيه واشهد انك قد بلغت الرسالة وا[ديت]
الامانة ونصحت الامة وجاهدت عدوك وهد[يت]
امتك وعبدت ربك حتى اتيك اليقين وصلى
الله عليك وعلى اهل بيتك الطاهرين واگر كسى
وصيت كرده باشد بسلام رسانيدن بحضرت
رسالت صلعم بگويد السلام عليك من فلان
بن فلان پس مقدار گزى فراتر رود در جانب دست راست
خود وبر امير المومنين ابوبكر رضى الله عنه سلام

کوید چه شرا با نکو نزدیک دوش آن حضرت صلعم
ومقدار کزی دیکر فرا تر رود بجانب دست راست
خود و بر امیر المومنین عمر رضی الله عنه سلام کند
و بکوید السلام علیک یا صاحبی رسول الله صلعم
و وزیریه ومعاونیه علی القیام بالحق ما دام حیا
القائمین فی امته بعده بامور الدین متبعین فی
اثره وعاملین بسنته فجزاکما الله خیر ما جزی وزرا
نبی علی دینه پس باز کردد و برابر سر مبارکش مستقبل
قبله بایستد و تحمید و تمجید حق تعالی بکوید و صلوات
بسیار بر رسول صلعم بدهد و بکوید اللهم
انک قلت وقولک الحق ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤک فاستغفروا الله واستغفر لهم
الرسول لوجدوا الله توابا رحیما اللهم انا
قد سمعنا قولک واطعنا امرک وقصدنا نبیک
مستشفعین به الیک فی ذنوبنا وما اثقل ظهورنا
من اوزارنا تائبین من زللنا معترفین بخطایانا
وتقصیرنا فتب اللهم علینا وشفع نبیک

هذا فینا وارفعنا بمنزلته عندک وحقه علیک
اللهم اغفر للمهاجرین والانصار واغفر لاخواننا
الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل اللهم هذا
آخر عهدنا من زیارت نبیک ومن حرمک وحرمه یا
ارحم الراحمین پس انکاه بروضه بیاید که میان
قبر و منبر است قال رسول الله صلعم ما بین قبری
ومنبری روضة من ریاض الجنة و آنجا دو رکعت
نماز بکذارد و آنجا تکبیر و تحمید و تهلیل و صلوات
ودعاء بسیار بکوید پس نزدیک منبر آید و آنجا
نیز دعاء بسیار بکوید و بعد از آن در مدت
مقام بمدینه هر چه میسرش شود از زنده داشتن
شبها در مسجد مدینه ونماز که بحدیث صحیح یک
رکعت هزار است و بحدیث غریب ده هزار است
وتلاوت در محلی که نزول وحی واقع میشود باید که هیچ
تقصیر وتهاون نکند وتصدق دادن برا
حرم مدینه ومجاوران ومحتاجان حرص عظیم
نمودن علامت قبول زیارتست وبعد از آن

در مدت مقام باید که بزیارت کورستان بقیع بیرون
آید ابتدا آنکه سلام بروضهٔ مطهر وعلی ساکنها
التحیة والسلام داده باشد بر همه اهل کورستان
عموما سلام فرستد وقبهٔ امیر المومنین حسن وزین
العابدین ومحمد باقر پسرش وجعفر صادق پسر محمد
باقر را صلّی الله علی نبینا وعلیهم که این جمله در یك
قبه اند نزدیك دروازه بقیع زیارت کند
وقبر ابرهیم فرزند رسول صلعم وقبر صفیه
عمه رسول صلعم رضی الله عنها وازواج طاهرات
وباقی صحابه واخیار وقبه عثمان را رضی الله عنهم
زیارت کند وهر روز شنبه بقبا رود ودر مسجد
قبا که آیت لمسجد اسس علی التقوی در حق اوست
نماز کذارد واز بئر اریس وضوی سازد وآب خورد
وهر روز پنجشنبه بزیارت کوه احد که بشرف مدح
هذا جبل یحبنا ونحبه مشرف است رود ولحظه زیارت
شهداء احد کند واز آنجا بتربت حمزه عم مصطفی
صلعم آید وزیارت کند ودر رجوع از آنجا بمسجد
فتح ذاکرا اذا جاء نصر الله والفتح در آنجا نازل شده
است زیارت کرده باز بمسجد مصطفی صلعم آید ودر
وقت خروج بعزم زیارتها ورجوع از ایشان بدو رکعت
نماز درین مسجد وسلام بروضهٔ مقدس ابتدا
وختم کند وچون وقت رحلت شود وداع کند ودر
وقت بیرون آمدن از مسجد پای چپ بیرون نهد
وبکوید اللهم صلّ علی سیدنا محمد وآله وعلی آل
محمد ولا تجعل هذا آخر العهد بنبیك وحط عنی
اوزاری بزیارته ویسر لی الرجوع الی وطنی سالما
برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا
محمد وآله واصحابه اجمعین. وهر روز بیرون
آمدن از مدینه باید که همه مجاوران وفقرا
مدینه را بمساوات وزیارت وصدقه مخصوص
کرداند وانکاه در زمان سفرهمان نوع که در
بیرون آمدن از شهری ومنزلی هم زان فقط
نماید ودر راه ودر وقت رجوع بهر بلندی
وپستی که برسد بعد از کفتن تکبیر ولا اله الا الله

انشاالله خود کفته بودم که بود در بیرون آمدن آمین

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت
بيده الخير وهو على كل شيء قدير بگويد آيبون
تايبون عابدون لربنا حامدون كل شيء هالك
الا وجهه عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم كه سنت مصطفى است صلعم وچون
بشهر خود رسد سر كوب پيش دارد وبگويد اللهم
اجعل لنا بها قرارا وارزقنا حسنا وبايد كه
ناگاه بغتة بخانه در نرسد فرزندان بيايد كه پيغامبر
صلعم نهي فرموده است بلك اول ايشان را خبر
كند وانگاه بخانه رود وچون بشهر در آيد اول
قصد مسجد كند ودو ركعت نماز بگزارد كه سنت
چنين است وچون بخانه در آيد بگويد توبا توبا
لربنا اوبا لا يغادر علينا حوبا وچون متمكن
شود در نعمت توفيق وعنايت را براداي فرايض
وسنن حج وزيارت مصطفى صلعم بشكر بسيار تلقي
نمايد واصلا از او فراموش نكند تا بمزيد توفيق
سلوك طريق تحقيق مخصوص شود ولسبح لعلم

[illegible]

فصل عن الصادق رضي الله تع عنه
انه قال من زار واحدا من الايمة كان كمن
زار رسول الله صلعم قيل للرضا رضي الله تع
عنه علمني قولا بليغا كاملا اذا زرت واحدا
منكم فقال اذا صرت الى الباب فقف وقل
الله اكبر ثلثين مرة ثم ادن من القبر وكبر الله
تع اربعين مرة تمام مائة مرة ثم قل السلام
السلام عليكم يا اهل بيت الرسالة ومختلف
الملائكة ومهبط الوحي وخزان العلم ومنتهى
الحلم ومعدن الرحمة واصول الكرم وقادة الامم
وعناصر الابرار ودعائم الاخيار وابواب
الايمان وامناء الرحمن وسلالة النبيين
وعترة صفوة المرسلين ورحمة الله وبركاته والسلام
على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام
التقى وذوي الحجى والنهى ورحمة الله وبركاته
السلام على محال رحمة الله ومساكن بركة الله
ومعادن حكمة الله وحفظ سر الله وحملة كتاب الله

وورثة رسول الله ورحمة الله وبركاته السلام
على الدالات الى حكم الله والادلاء على مرضات الله
والمظهرين لامر الله ونهيه والمخلصين في
توحيد الله ورحمة الله وبركاته اني مستشفع بكم
ومقدمكم امام طلبتي وارادتي ومسئلتي وحاجتي
اشهد الله تع اني مؤمن بسركم وعلانيتكم
واني ابرا الى الله عز وجل من عدو محمد وآل محمد
من الجن والانس وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
وسلم تسليما • ووقع الفراغ من تاليف هذه الاوراق
وجمعها ضحوة يوم الخميس الثاني والعشرين من شعبان
المنتظر في شهور سنة سبع وسبعين وثمانمايه
بمدينة السلام بغداد وقت التوجه
الى بيت الحرام وانا الفقير
عبد العزيز بن احمد الحاجي
وفقه الله سبحانه لما
يحبه ويرضاه
تم

یا کوتاه کردن موی سر و اقلّ آن بمذهب ابوحنیفه ربع سرست قیاس بر مسح
حج دو چیز بیش نیست یکی وقوف بعرفات

خواجه